



A Comparative Study of Traditions Concerning the Term *Na'jah* in the Account of the Divine Trial of Prophet David (peace be upon him) in Qur'ān 38:24

Leila Babaei ^{a*}

^a PhD Candidate, Department of Qur'ān and Ḥadīth Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

KEYWORDS

Prophet David (PBUH), *Na'jah*, Infallibility of the Prophets, Divine Trial, Exegetical Traditions, *Isrā'īliyyāt*

Received: 25 November 2025;
Accepted: 07 April 2026

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/ijj.2026.2078662.1063

ABSTRACT

Islamic doctrine, as articulated in the Qur'ān and the traditions of the Infallible Imams (peace be upon them), affirms that divine prophets are divinely preserved from sin and endowed with the attribute of *iṣmah* (infallibility). A superficial reading of certain Qur'ānic passages, however, appears to challenge this principle. Notably, Qur'ān 38:17–24 references the repentance and seeking of forgiveness by Prophet David (peace be upon him), which at first glance seems incompatible with prophetic infallibility. This study undertakes a comparative analysis of Shi'i and Sunni exegetical traditions concerning the term *na'jah* in verse 24 of Sūrah Ṣād, seeking to reconcile the doctrine of prophetic infallibility with the apparent narrative of error. Drawing upon Sunni sources—*Maqātil ibn Sulaymān*, *Jāmi' al-Bayān* (al-Ṭabarī), and *Al-Durr al-Manthūr* (al-Suyūṭī)—as well as Shi'i tafsīrs such as *Al-Qummī*, *Nūr al-Thaqalayn*, *Al-Burhān*, *Al-Šāfi*, and *Al-Mīzān*, the analysis reveals that certain interpreters' rendering of *na'jah* as “woman” has given rise to interpretations influenced by *Isrā'īliyyāt* (Judaic traditions) and passages derived from the Torah. While this study does not claim to resolve all scholarly doubts on this matter, it represents a systematic effort to clarify certain ambiguities surrounding this verse. Given the nature of the research, the study relies on existing library sources, documentary evidence, and textual analysis as necessary for the investigation.

* Corresponding author.

E-mail address: taninebehesht@gmail.com





مطالعه تطبیقی روایات مربوط به واژه «نعجه» در داستان آزمون حضرت داوود(ع) بر اساس آیه ۲۴ سورة «ص»

لیلا بابایی^{الف}

^{الف} دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، taninebehesht@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
در آموزه‌های اسلامی، اعم از قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(ع)، انبیای الهی از ارتکاب گناه مصون و برخوردار از مقام عصمت دانسته می‌شوند. با این حال، نگاه ابتدایی به برخی آیات قرآن ممکن است برداشتی متفاوت را القا کند. از جمله در آیات ۱۷ تا ۲۴ سورة «ص» که در آن‌ها به استغفار و توبه حضرت داوود(ع) اشاره شده است و در نگاه نخست می‌تواند با باور به عصمت انبیا ناسازگار به نظر برسد. در بررسی روایات تفسیری شیعه و اهل سنت درباره این آیات، دیدگاه‌ها و تفسیرهای گوناگونی مطرح شده است. این پژوهش می‌کوشد با هدف تبیین و اثبات عصمت حضرت داوود(ع)، به بررسی تطبیقی روایات تفسیری درباره واژه «نعجه» در آیه ۲۴ سورة صاد بپردازد و چگونگی جمع میان اصل عصمت آن حضرت و برداشت‌های مربوط به خطای ایشان را روشن سازد. بدین منظور، روایات تفسیری موجود در منابع اهل سنت، از جمله تفسیر مقاتل بن سلیمان، جامع البیان طبری و الدر المنثور سیوطی، و نیز تفاسیر شیعه مانند تفسیر قمی، نورالثقلین، البرهان، صافی و المیزان بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که برداشت برخی مفسران از واژه «نعجه» به معنای «زن»، زمینه‌ساز شکل‌گیری تفاسیر متأثر از روایات اسرائیلی و نقل‌های برگرفته از تورات درباره این آیه شده است.	حضرت داوود(ع)، روایات موضوعه، نعجه، عصمت انبیاء، آزمون الهی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۸ مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

در آموزه‌های اسلامی، «عصمت» از بنیادی‌ترین مبانی اعتقادی در شناخت انبیای الهی به شمار می‌آید و در منابع اسلامی و آرای متکلمان و مفسران مسلمان، به‌طور گسترده مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این اصل، پیامبران الهی از ارتکاب گناه و خطا مصون‌اند و در مقام دریافت و ابلاغ وحی و هدایت انسان‌ها، از هرگونه لغزش مصونیت دارند. قرآن کریم نیز در موارد متعددی بر مقام والای پیامبران الهی تأکید کرده است. از جمله درباره حضرت داوود(ع) می‌فرماید: «وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ» (ص: ۲۵)؛ «و همانا او نزد ما دارای مقامی والا و فرجامی نیکو است». این آیه بیانگر منزلت معنوی و جایگاه رفیع آن حضرت در پیشگاه الهی است. با این حال، در نگاه نخست به برخی آیات قرآن، به‌ویژه آیات ۱۷ تا ۲۴ سورة صاد، ممکن است برداشت‌هایی پدید آید که با اصل عصمت انبیا ناسازگار به نظر برسد؛ زیرا در این آیات به ماجرای اشاره شده است که در پی آن، حضرت داوود(ع) به استغفار و توبه روی می‌آورد. ظاهر این آیات ممکن است برای برخی مخاطبان، به‌ویژه کسانی که با مبانی کلامی و لایه‌های عمیق تفسیری قرآن آشنایی کافی ندارند، این پرسش را ایجاد کند که اگر پیامبران الهی معصوم‌اند، چگونه می‌توان استغفار و توبه حضرت داوود(ع) را تبیین

و توجیه کرد. از همین رو، این بخش از آیات قرآن همواره مورد توجه مفسران و متکلمان قرار گرفته و تفسیرهای گوناگونی درباره آن ارائه شده است.

یکی از محورهای اصلی اختلاف در تفسیر این آیات، چگونگی فهم داستان «خصمان» و به‌ویژه تبیین معنای واژه «نعجه» در آیه ۲۴ سوره صاد است. در برخی از روایات تفسیری، این واژه به معنای «گوسفند» دانسته شده و داستان در چارچوب یک تمثیل حقوقی و قضایی تفسیر شده است؛ در حالی که در برخی دیگر از نقل‌ها، «نعجه» به معنای «زن» تفسیر شده و همین برداشت زمینه‌ساز شکل‌گیری روایت‌هایی شده است که گاه متأثر از نقل‌های اسرائیلی و روایات برگرفته از متون یهودی - مسیحی‌اند. این اختلاف روایی، افزون بر ایجاد برداشت‌های متفاوت از ماجرای آزمون حضرت داوود (ع)، در برخی موارد موجب طرح شبهاتی درباره سازگاری این داستان با اصل عصمت انبیا شده است. از این رو، بررسی و تحلیل روایات تفسیری مرتبط با این آیه، به‌ویژه درباره معنای واژه «نعجه»، می‌تواند در روشن‌تر شدن ابعاد این مسئله و ارائه تبیینی منسجم‌تر از داستان آزمون حضرت داوود (ع) نقش مهمی ایفا کند. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف واکاوی و مقایسه روایات تفسیری شیعه و اهل سنت درباره واژه «نعجه» در آیه ۲۴ سوره صاد، می‌کوشد با رویکردی تطبیقی به بررسی دیدگاه‌های مختلف در این زمینه بپردازد و نسبت آن‌ها را با اصل عصمت حضرت داوود (ع) تبیین کند. در این راستا، روایات و دیدگاه‌های مطرح در برخی از مهم‌ترین تفاسیر اهل سنت، از جمله تفسیر مقاتل بن سلیمان، جامع البیان طبری، الدر المنثور سیوطی، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر و التفسیر الکبیر فخر رازی، و نیز تفاسیر شیعه مانند تفسیر قمی، نورالثقلین، البرهان، الصافی و المیزان مورد بررسی و مقایسه قرار خواهد گرفت تا از رهگذر تحلیل تطبیقی این روایات، تصویری روشن‌تر از معنای واژه «نعجه» و جایگاه آن در تفسیر داستان آزمون حضرت داوود (ع) ارائه شود.

۱.۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت مباحث مربوط به عصمت انبیاء و چالش‌هایی که در نگاه ابتدایی به برخی آیات قرآن، به‌ویژه درباره حضرت داوود (ع)، به‌ظاهر بروز می‌کند، پژوهش‌های متعددی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. از جمله، ولی‌الله نقی‌پور و رحیم حاصلی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علت استغفار حضرت داوود (ع) در آیه وَ ظَنَّ دَاوُودُ اِنَّمَا فَتْنَاةٌ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ...»، منتشرشده در سال ۱۳۹۸ در فصلنامه مطالعات قرآن، ماجرای استغفار حضرت داوود (ع) را از منظر عقل، قرآن، سنت، تجربه، و سیره عقلا و متشرعه تحلیل کرده‌اند. همچنین محمد امینی تهرانی و محمدباقر قیومی در مقاله «بررسی صفات اخلاقی حضرت داوود (ع) در قرآن و عهدین»، که در همان سال در مجله مطالعات حدیثی قرآن و حدیث به چاپ رسیده، با رویکردی تطبیقی به بررسی ویژگی‌های اخلاقی حضرت داوود (ع) پرداخته‌اند. آنان در این پژوهش به‌نوعی صفت اخلاقی ایشان در قرآن و شانزده ویژگی در عهد عتیق اشاره کرده، سپس با استخراج نقاط مشترک، نتایج را در شش محور ارائه داده‌اند. افزون بر این، محمدجواد هراتی و سیدرضا مودب در مقاله «بررسی تطبیقی روش‌های تفسیر فریقین در سازگاری عصمت حضرت داوود (ع) و خطای او»، منتشرشده در مجله مطالعات تفسیری در سال ۱۳۹۱، به واکاوی شیوه‌های تفسیری شیعه و اهل سنت در تبیین آیات ۲۲ تا ۲۶ سوره صاد پرداخته و به‌ویژه چگونگی جمع میان عصمت و خطای نسبت‌داده‌شده به آن حضرت را بررسی کرده‌اند.

پژوهش حاضر درصدد است با تمرکز ویژه بر روایات تفسیری مربوط به واژه «نعجه» در آیه ۲۴ سوره صاد و تحلیل تطبیقی این روایات در تفاسیر شیعه و اهل سنت، افق تازه‌ای در فهم ماجرای آزمون الهی حضرت داوود(ع) بگشاید و جایگاه این واژه را در شکل‌گیری برداشت‌های تفسیری گوناگون روشن سازد.

۲. دورنمایی از مضمون و مدلول آیهی نعجه

متن آیه ۲۴ سوره "ص" چنین است: «قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ نَعَجْتِكَ إِيَّاهُ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ»: «گفت: یقیناً او با درخواست افزودن میش تو به میش‌های خود بر تو ستم روا داشته است، و قطعاً بسیاری از معاشران و شریکان به یکدیگر ستم می‌کنند، به جز کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و اینان اندک‌اند. و داود دانست که ما او را [در این حادثه] آزموده ایم، در نتیجه از پروردگارش درخواست آمرزش کرد و بی‌درنگ به حالت خضوع به رو در افتاد و به خدا بازگشت».

حضرت داوود(ع) یکی از پیامبران بزرگ بنی‌اسرائیل است. وی نخستین پیامبری به شمار می‌آید که دارای کتاب آسمانی مستقلی به نام «زبور» بوده است. آن حضرت از ذریه اسحاق(ع)، فرزند حضرت ابراهیم(ع)، و هم‌عصر با «اشموئیل» بوده و از جمله پیامبرانی است که افزون بر مقام نبوت، دارای حکومت و منصب قضاوت نیز بوده و به زبان پرندگان آگاهی داشته است (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱-۳۶۳). حضرت داوود(ع) در سرزمینی میان مصر و شام چشم به جهان گشود. وی از نوادگان حضرت یعقوب(ع) است و نسب او با نُه واسطه به یکی از فرزندان آن حضرت می‌رسد (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۴-۱۵).

در قرآن کریم، ماجرای از داوری حضرت داوود(ع) نقل شده است که زمینه‌ساز طرح مباحث تفسیری و کلامی گسترده‌ای شده است. مطابق این گزارش، دو نفر برای داوری نزد حضرت داوود(ع) آمدند که یکی از آن دو از برادر خود شکایت داشت؛ زیرا او نود و نه میش در اختیار داشت، در حالی که این شخص تنها یک میش داشت و برادرش درخواست کرده بود که آن یک میش نیز به گوسفندان او افزوده شود. حضرت داوود(ع) پیش از آنکه سخن طرف مقابل را بشنود، رو به شاکی کرد و فرمود: «قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ نَعَجْتِكَ إِيَّاهُ»؛ «مسلماً او با درخواست یک میش از تو و افزودن آن به میش‌های خویش، بر تو ستم روا داشته است». سپس فرمود: «وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ»؛ «بسیاری از کسانی که با یکدیگر معاشرت و تعامل دارند، به یکدیگر ستم می‌کنند»؛ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ «مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند»، «وَقَلِيلٌ مَا هُمْ»؛ «و شمار آنان اندک است».

به نظر می‌رسد طرفین دعوا با شنیدن این سخن قانع شدند و مجلس داوری را ترک کردند. با این حال، حضرت داوود(ع) پس از آن در اندیشه فرو رفت. هرچند داوری او عادلانه به نظر می‌رسید - زیرا اگر طرف مقابل ادعای شاکی را نمی‌پذیرفت، بی‌تردید اعتراض می‌کرد - اما مقتضای مجلس قضا آن بود که پیش از صدور حکم، سخن هر دو طرف شنیده شود. از این رو، آن حضرت از شتاب در داوری احساس پشیمانی کرد و دریافت که این واقعه نوعی آزمون الهی برای او بوده است: «وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ». در نتیجه به درگاه الهی روی آورد و از خداوند طلب آمرزش کرد: «فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ»؛ «پس از پروردگار خود آمرزش خواست و به سجده افتاد و به سوی او بازگشت».

آنچه از ظاهر آیات قرآن استفاده می‌شود، بیش از این نیست که افرادی برای دادخواهی وارد محراب حضرت داوود(ع)

شدند. آن حضرت در آغاز دچار هراس شد، سپس به سخنان شاکی گوش داد. شاکی اظهار داشت که یکی از آن دو نفر نود و نه گوسفند ماده دارد، در حالی که دیگری تنها یک گوسفند دارد و با این حال، صاحب نود و نه گوسفند خواهان آن یک گوسفند نیز شده است. حضرت داوود (ع) حق را به شاکی داد و این درخواست را ظلم و تعدی دانست. پس از آن، به سبب شتاب در داوری، از کار خود پشیمان شد و از خداوند طلب آمرزش کرد و خداوند نیز او را بخشید. از این رو، در این ماجرا دو تعبیر قابل توجه است: «آزمایش الهی» و «استغفار و توبه حضرت داوود (ع)». بر اساس ظاهر آیات، لغزش آن حضرت در شیوه داوری و تعجیل در قضاوت بوده است و در این آیات امری که با شأن و مقام والای این پیامبر بزرگ ناسازگار باشد، مشاهده نمی‌شود (مکارم، ۱۳۸۰، ج ۱۹، ص ۲۵۰). با این حال، پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که مراد از واژه «نعجه» در این آیه چیست.

در منابع لغوی، برای واژه «نعجه» معانی مختلفی ذکر شده است. «النعجة الأنثی من الضأن والبقر الوحش والشاة الجبلی وجمعها نعاج»، «نَعَجَةٌ» به معنای «میش» (گوسفند ماده) است و به گاو وحشی ماده و گوسفند کوهی ماده نیز گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۴۹۸). همچنین آمده است: «النَّعْجَةُ: الأنثی من الضأن و... و العربُ تَكْنِي بالنعجة و الشاة عن المرأة، و يسمون الثَّوْرَ الوحشيَّ شاةً؛ قال أبو عبيد: و لا يقال لغير البَقَرِ من الوحشِ نعاج؛ و في التنزيل في قصة داود (ع)» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۳۸۰). بر این اساس، «نَعَجَةٌ» به معنای میش است و راغب، گاو ماده و آهوی ماده را نیز در دایره معنایی آن دانسته است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۷، ص ۸۲).

از سوی دیگر، در این آیات واژه «فتنه» نیز به کار رفته است. در تعریف این واژه آمده است: «الْفِتْنَةُ؛ الابتلاء و الامتحان و الاختبار، و أصله من فَتَنْتُ الفضة إذا أدخلتها في النار لنتميز» (طریحی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۲۹۱). اصل واژه «فتن» به معنای داخل کردن و گداختن طلا یا نقره در آتش است تا خالص از ناخالص و خوب از بد جدا شود. از این رو، این واژه به صورت استعاری درباره آزمون و امتحان نیز به کار می‌رود. گاه نیز به غذایی که از چنین آزمونی حاصل می‌شود «فتنه» گفته می‌شود. واژه «فتنه» همانند «بلاء» هم در سختی و هم در آسایشی که انسان ناگزیر با آن روبه‌رو می‌شود به کار می‌رود؛ هرچند کاربرد آن در امور دشوار و سخت بیشتر است (راغب، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۰).

در ادامه آیات، تعبیر «تاب» و «انابه» نیز به کار رفته است. در منابع لغوی آمده است: «تَابَ و رَجَعَ، دَخَلَ فِي نَوْبَةِ الْخَيْلِ، رَجَعَ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى» (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۴۵۵). همچنین گفته شده است: «أَقْبَلَ و تَابَ، و رَجَعَ إِلَى الطَّاعَةِ» (مهنا، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۵۶) و نیز «تَابَ وَ رَجَعَ» (مصطفی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۹۶۱). راغب اصفهانی نیز در تعریف «انابه» می‌نویسد: «الْإِنَابَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى: الرَّجُوعُ إِلَيْهِ بِالتَّوْبَةِ و إِخْلَاصُ الْعَمَلِ»؛ یعنی بازگشت به سوی خداوند از طریق توبه و اخلاص در عمل (راغب، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۲۷).

۳. نگره‌های مفسران درباره آیه ۲۴ سوره «ص»

آنچه در پی آورده می‌شود، نگره‌های مفسران فریقین درباره آیه ۲۴ سوره «ص» است:

۱. ۳. نگره‌های تفسیری اهل سنت

نگره‌هایی از مفسران اهل سنت، از قراری است که در ادامه آورده می‌شود:

۳. ۱. ۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان

مقاتل در تفسیر این آیه، در معنای واژه «نَعَجَه» این گونه می گوید: «إِنَّ هَذَا أَخِي يَعْنِي الْمَلِكَ الَّذِي مَعَهُ لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعَجَةً يَعْنِي تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ امْرَأَةً وَ هَكَذَا كُنْ لِدَاوُدَ، اتَّبَعَ مَقَاتِلَ هُنَا الْإِسْرَائِيلِيَّاتِ الَّتِي تَنْقُصُ مِنْ قَدْرِ الْأَنْبِيَاءِ وَ تَنْسَبُ إِلَيْهِمُ الْمَعَاصِي. در این تفسیر، عبارت ۹۹ نعجه را به ۹۹ زن تعبیر کرده است، همانطور که برای داوود (ع) هم اینگونه بود و در این جا ذکر می شود که مقاتل در این جا از اسرائیلیاتی پیروی کرده است که از ارزش انبیاء الهی کاسته و معاصی را به ایشان نسبت داده است. نسفی در تفسیرش بیان می کند که؛ «و آنچه حکایت می کند از آنچه که داوود اوری را به غزوه بلقاء فرستاد و دوست داشت که با همسرش ازدواج کند، «فلا يليق من المتسمين بالصلاح من أفناء الناس فضلا عن بعض أعلام الأنبياء»؛ شایسته نیست کسی که به صلاح و پاکی شناخته شده است، خود را در میان مردم به هدر دهد، چه رسد به برخی از بزرگان و نخبگان انبیاء». بنابراین افراد نیکوکار و به ویژه علما و بزرگان انبیاء، که شأن و مقامی بس والا دارند، سزاوار نیست که وجود و شخصیت والایشان بی ارزش یا در میان مردم ضایع شود و به سادگی در میان مردم از بین برود و بر اساس فرموده امیرمومنان علی (ع): «هر کس این داستان دروغ را درباره حضرت داوود (ع) حکایت کند، قصاص او، ۱۶۰ ضربه شلاق است و این حد دروغ بستن بر انبیاست» و این تهمتی است که اسرائیلیات است که به انبیاء الهی، سکر و زنا و شرب خمر روا داشتند، این موضوع با حقایق تاریخی و نصوص قرآن مخالف است و بر اساس آیات قرآن، انبیاء مبشّر و منذر هستند، تا برای مردم حجت باشند و این بلایی است که بعضی از تفاسیر با اباطیل بنی اسرائیل آمیخته شده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۴۱).

۳. ۱. ۲. تفسیر جامع البیان طبري

تفسیر جامع البیان در تفسیر این آیه بیان می کند: «إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعَجَةً وَ لِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ» «و هذا مثل ضربه الخصم المتسورون على داود ... تسع و تسعون امرأة، و كانت للرجل الذي أغراه حتى قتل امرأة واحدة؛ فلما ...»، این مثلی است که مخالفان، به داوود در محرابش حمله کردند و علیه او به کار بردند؛ که داوود نود و نه همسر داشت و مردی که او را به لشکرکشی فرستاد تا کشته شد و یک همسر داشت و ...» طبری روایات متعددی را نقل می کند که؛ وی روزی که در محراب در حال عبادت بود، پس از دیدن کبوتری در پی گرفتن آن برآمد، که همسر اوری را مشاهده کرد و ادامه داستان که در بالا ذکر گردید، ... خداوند خواست تا او را از گناه خویش آگاه کند، از این رو، دو فرشته و یا دو نفر را مأمور کرد تا برای قضاوت نزد حضرت داوود بروند. سپس یکی از آنان به داوود گفت که برادر من نود و نه میش دارد و من یک میش، و او می خواهد آن یک میش را از من بگیرد. بر این اساس با آمدن دو متخاصم و مطرح نمودن مسئله، با توجه به مشابهت موضوع آن دو با آنچه برای داوود رخ داد، ایشان متوجه شد که تلاش او برای ازدواج با همسر اوری اشتباه بوده، سپس توبه کرد و خداوند نیز او را آمرزید و او را از مقربین خود قرار داد. طبری در ذیل آیه و در راستای بحث از روایات، یکی از معانی ای که برای «نَعَجَه» آورده، «زن» است، که در اینجا در حقیقت، «زن» مراد است و نه «گوسفند» و زمانی که دو متخاصم کلمه «نعجه» را استفاده می کنند، منظورشان «زن» است و خداوند خواست حضرت داوود را به گناه خود درباره گرفتن همسر اوری، آگاه نماید. پس چون داوود (ع) آگاه شد و بدانست که آن کار نیکو کرده بود، بر گناه خویش اعتراف کرد و سر بسجده نهاد و بر گناهان خویش گریست و تا چهل روز از خدای عزوجل آمرزش خواست و خداوند جبریل (ع) را پیش ایشان فرستاد و گفت: «يا داود إِنَّ الرَّبَّ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ، و داود (ع) دانست که آن عتاب است

و گریان تر گشت و چندان که فرزندان آدم گریستند و بگریند، تا روز قیامت گریه ایشان بیشتر بود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۹۱).

۳.۱.۳. تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی

تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب از مهم‌ترین و مفصل‌ترین تفاسیر قرآن است که به این آیه مبسوط پرداخته است. فخر رازی در تفسیر این آیه بعد از بیان قصه کذب، با یازده دلیل و با استناد به آیات این سوره و سوره دیگر قرآن، به صورت مدلل و مبسوط، فساد و بطلان آن را بیان می‌کند. در مسأله سوم می‌گوید: «المسألة الثالثة: قال الليث: النعجة الأنثى من الضأن و البقرة الوحشية و الشاة الجبلية، و العرب جرت عادتهم بجعل النعجة و الظبية كناية عن المرأة. المسألة الرابعة: قرأ عبد الله: تسع و تسعون نعجة أنثى و هذا ... الخصمين كانا من الملائكة زعموا ... لأن داود كان تحته تسع و تسعون امرأة و لم يكن لأوريا إلا امرأة واحدة، فذكرت ... ثم قال تعالى: قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ أَي سَوَّالِ إِضَافَةِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ». «نَعَجِهِ»، ماده گوسفند است و گاو وحشی و گوسفند کوهی نیز از فامیل آن‌اند. جمع «نعجه» به صورت «نعجات» است. عرب‌ها در عرف خود «نعجه» و «ظبیه» را کنایه از زن گرفته‌اند. مسأله چهارم: «عبدالله قرائت کرده است «تسع و تسعون نعجه أنثى»، یعنی نود و نه گوسفند ماده، که این برای تأکید است ... و چون داوود ده‌ها زن داشت، و اوریا تنها یک زن داشت، و فرشتگان به این صورت نماد و مثال را بیان کردند. سپس خداوند فرمود: «او گفت: تو را به درخواست نعجه‌ات نسبت به نِعَاجِ او ستم کرده‌ای» یعنی درخواست افزودن نعجه‌ات به نِعَاجِ او. «فإنه لا يلزم إسناد شيء من الذنوب إلى داود (ع)، بل ذلك يوجب إسناد أعظم الطاعات إليه، ... أن الأصل في حال المسلم البعد عن المناهي، لاسيما و هو رجل من أكابر الأنبياء و الرسل ... (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۳۷۷). فخر رازی ساحت انبیاء را از معاصی و ذنوب بری می‌داند و آنها را بر راه صبر در راه طاعت الهی معرفی می‌کند و این گونه ذکر می‌کند که داوود (ع) نیز به مثابه سایر انبیاء الهی مانند ابراهیم و ماحصل خلیل بودن و اسماعیل و ماحصل ذبیح بودن و یعقوب و ماحصل شدائد در راه تحصیل دین بوده‌اند و به دلیل آن که بر ابتلاها صبر کردند، به آن درجات رسیدند و این طور شد که داوود (ع) هم از خداوند از ابتلائاتش سوال کرد و ادامه آنچه که در آیات سوره صاد آمده است. این داستان، قصه باطله است و کسی که آن را ذکر می‌کند، مستحق عذاب است و این واقعه در شأن و صفت پیامبر نیست و این داستان، مصداق اشاعه فحشاست (همان، ج ۲۶، ص ۳۸۴).

۴.۱.۳. تفسیر ابن کثیر

ابن کثیر در تفسیر این آیه به این موضوع اشاره می‌کند که: «داستانی که برخی از مفسران ذکر می‌کنند، بیشتر از اسرائیلیات گرفته شده: «قد ذكر المفسرون هاهنا قصة أكثرها مأخوذ من الإسرائيليات و لم يثبت فيها عن المعصوم ... و لكن روی ابن أبي حاتم حديثا لا يصح سنده لأنه من رواية يزيد الرقاشي عن أنس رضي الله عنه و يزيد و إن كان من الصالحين لكنه ضعيف الحديث عند الأئمة ...» هیچ حدیث صحیحی از پیامبر (ص) در مورد آن ثابت نشده است، (که در بالا ذکر گردید)، که باید از آن پیروی شود و ابن‌ابی‌حاتم، حدیث را با سند ضعیف روایت کرده است، زیرا آن را یزید الرقاشی از انس (رضی الله عنه) روایت کرده است و یزید اگرچه مردی صالح بود، اما نزد ائمه (ع)، راوی ضعیفی به حساب می‌آید. بنابراین بهتر است که به نقل این داستان اکتفا کنیم و علم آن را به خداوند متعال ارجاع دهیم، زیرا قرآن

حق است و آنچه که در آن هست، هم حق است. «و قوله تعالى: فَفَزِعَ مِنْهُمْ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ كَانَ فِي مَحْرَابِهِ ...» وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَتَاءُ، قال علي بن أبي طلحة عن ابن عباس (رضي الله عنهما) أي اختبرناه و قوله تعالى وَ خَرَّ رَاكِعًا أَيْ سَاجِدًا وَ أَنَابَ وَ ... و قد ذكر أنه استمر ساجدا أربعين صباحا فَغَفَرْنَا لَهُ ...» و داوود (ع) در محراب خود بود، که شریف‌ترین جای خانه‌اش به شمار می‌آمد و دستور داده بود آن روز هیچ کس وارد آنجا نشود. بنابراین فقط دو نفر را دید که به آرامی به محراب نزدیک شدند تا مسئله‌ای را از او بپرسند و «وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَتَاءُ»، علی بن ابی طلحه از ابن عباس (رضی الله عنهما) نقل کرده‌اند که؛ مقصود این است که «ما او را آزمایش کردیم» و آیه «وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ» یعنی داوود به رکوع درآمد و سپس به سجده افتاد و توبه کرد، ... او چهل صباح به همین حالت سجده ماند و خداوند آن گناه را که بر حسنات بندگان نیکوکار به شمار می‌رود، آمرزید (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۵۰).

۳. ۱. ۵. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور

سیوطی در درالمنثور در تفسیر این آیه از ابن جریر و حاکم که از سدی، نقل می‌کند که: «... ان داود (ع) قد قسم الدهر ثلاثة أيام يوما ... و كان له تسع و تسعون امرأة و ...» که داوود (ع)، اوقات خود را به سه روز تقسیم می‌کرد: یک روز برای قضاوت بین مردم، یک روز برای عبادت پروردگارش و یک روز برای خلوت با همسرانش. او نود و نه همسر داشت و داستان همسر اوریا را ذکر می‌کند. «فأوحى الله إليه ان آباءك قد ابتلوا ببلايا لم تبتل بها ابتلى ابراهيم بذبح ولده و ... أن يمكث إذ جاءه الشيطان قد تمثل في صورة حمامة حتى وقع عند رجله و هو قائم يصلى ...». پس خداوند به او وحی کرد که پدرانش به بلاهایی مبتلا شده‌اند که او به آنها مبتلا نشده بود. ابراهیم به قربانی پسرش، اسحاق به نایبانی و یعقوب به اندوه یوسف مبتلا شد و هیچ یک از اینها به او نرسیده بود. گفت: «پروردگارا، مرا به آنچه به آنها مبتلا کردی مبتلا کن، و همان را که به آنها دادی به من نیز عطا کن.» پس خداوند به او وحی کرد که او به بلا گرفتار شده است، پس باید بترسد. او تا زمانی که خداوند متعال خواسته بود، در آنجا ماند، که شیطان به صورت کبوتری نزد او آمد تا اینکه به پاهایش افتاد، «و أخرج الحكيم الترمذي في نوادر الأصول و ابن جرير و ابن أبي حاتم بسند ضعيف عن أنس (رضي الله عنه) سمعت رسول الله (ص) يقول: «أخرج ابن أبي شيبه و أحمد و عبد بن حميد من طريق عطاء ابن السائب عن أبي عبد الله الجدلي قال ما رفع داود (ع) رأسه إلى السماء بعد الخطيئة حتى مات» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۰۲). از افرادی که در این سلسله راویان در درالمنثور قرار دارد، ابن ابی شیبه است که شاگردش ابن حنبل او را کثیر الخطا خوانده است (ابن ابی حنبل، ج ۱۱، ص ۶۱۰).

۳. ۲. نگره‌های تفسیری شیعه

نگره‌های تفسیری شیعه را می‌توان در مطالبی که ذیلا عنوان می‌شود دنبال نمود:

۳. ۲. ۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی

در تفسیر قمی ذیل آیه، «نَعَجَه» به معنای «زن» دانسته شده و آمده است که داوود (ع) نود و نه زن داشته است. سپس ماجرای اوریا و همسرش روایت می‌شود؛ از جمله این که داوود (ع) پس از وقوع خطا چهل روز در سجده گریست و بعد با همسر اوریا ازدواج کرد و سلیمان (ع) از او متولد شد (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۳۲). در ادامه، ملاقات داوود (ع) با حزقیل نقل می‌شود که ابتدا او را «نبي خاطي» خطاب کرد تا آن که به فرمان الهی داوود را پذیرفت. نیز به این نکته پرداخته

می‌شود که داوود(ع) از خدا خواست فضیلتی مانند دیگر پیامبران به او بنمایاند، و خداوند فرمود که ابتلائات، سنت آزمون الهی است. سپس جریان مشغول شدن داوود(ع) به پرندۀ ای زیبا و غفلت او از عبادت نقل می‌شود که نهایتاً به دیدن همسر اوریا و فریفتگی نسبت به او انجامید (همان).

آیت الله خوئی ضمن تأیید نظر صاحب وسائل درباره قصد علی بن ابراهیم از مقدمۀ تفسیر، بیان می‌کند که مراد وی اثبات اعتبار تفسیر و اعتماد به روایات منقول از مشایخ شیعه است؛ بنابراین توثیق او همه مشایخ و راویانی را که قمی - با واسطه یا بی واسطه - از آنان روایت کرده، در بر می‌گیرد. خوئی معتقد است اختصاص دادن این توثیق به مشایخ بی واسطه صحیح نیست. با این حال تأکید می‌کند که هر چند تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم موجود است و برخی از روایاتش در منابع معتبری همچون کافی آمده، اما نسبت دادن تمام کتاب به او قطعی نیست و وثاقت همه راویان موجود در نسخه فعلی ثابت نمی‌باشد (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۴۹).

۳.۲.۲. تفسیر نور الثقلین حویزی

در تفسیر آیه، هنگام پرسش از امام رضا(ع) درباره داستان داوود(ع) و اوریا، ایشان فرمودند: آن زن پس از مرگ یا کشته شدن شوهرش هرگز با دیگری ازدواج نکرد. در امالی صدوق از امام صادق(ع) روایت شده که نسبت دادن کشاندن داوود(ع) به پی پرندۀ، دیدن همسر اوریا، افتادن در شهوت، قتل شوهر و ازدواج با آن زن، از نارواهایی است که به آن پیامبر بسته‌اند (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۴۴۶). امام رضا(ع) با واکنشی تند فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ... شما پیامبر خدا را متهم کردید». آن‌گاه توضیح دادند که خطای داوود(ع) نه فحشا و قتل، بلکه این بود که گمان کرد مخلوقی برتر از او نیست، و خدا برای آزمون او فرشتگانی را به محرابش فرستاد. در مجمع البیان نیز از امام علی(ع) نقل است: هر کس بگوید داوود(ع) با زن اوریا ازدواج کرده، دو حد بر او جاری می‌کنم؛ یکی برای توهین به نبوت و دیگری برای توهین به اسلام (همان، ج ۴، ص ۴۴۷). سپس از تفسیر قمی نقل می‌شود که وقتی خدا داوود(ع) را خلیفه زمین قرار داد، او به تسبیح و عبادت پرداخت. حزقیل بر او وارد شد و او را «پیامبر خاطی» خواند. داوود(ع) گریست و اجازه خواست بالا رود، اما حزقیل ابتدا نپذیرفت؛ سپس به فرمان الهی دستش را گرفت و بالا برد. از داوود(ع) پرسید: «آیا قصد گناه می‌کنی؟» گفت: نه. حزقیل علت لغزش او را توجهش به دنیا دانست. داوود(ع) بر سر قبر اوریا رفت و طلب مغفرت کرد و سپس در میان بنی اسرائیل بازگشت. خداوند به او وحی کرد که خطایش آمرزیده شد، و پس از آن با همسر اوریا ازدواج کرد و سلیمان(ع) از او متولد شد. آیه «فَعَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ...» مؤید این بخشش است (همان، ج ۴، ص ۴۴۸). در روایتی از ابوالجارود از امام باقر(ع) آمده است که داوود(ع) متوجه خطا شد و توبه کرد و به فرمانده اش نوشت که اوریا را در خط مقدم قرار ندهد. اوریا بازگشت، هشت روز نزد خانواده اش ماند و سپس از دنیا رفت.

۳.۲.۳. البرهان فی تفسیر القرآن

این تفسیر در ذیل آیه ۲۴ سوره ص، ماجرای «نعجه» و داستان داوود(ع) را بر اساس گفت‌وگوی امام رضا(ع) در جلسات مأمون - با حضور عالمان یهود، نصاری، مجوس و صابئین - نقل می‌کند. در روایت ابن بابویه، ابوالصلت هروی می‌گوید: مأمون از امام رضا(ع) درباره عصمت انبیا پرسید و امام فرمود: «بله»؛ سپس وقتی علی بن محمد بن الجهم درباره آیه «وَوَظَّنَّ دَاوُودُ...» و داستان اوریا سوال کرد، امام رضا(ع) پرسید: «دیدگاه شما چیست؟» و آنگاه توضیح داد که

نسبت‌های مشهور درباره تعقیب پرنده، نگاه به همسر اوریا و قتل شوهر او، تهمت‌ی ناروا و مخالف مقام نبوت است. امام رضا(ع) بیان فرمودند که در زمان داوود(ع)، زن پس از مرگ یا کشته شدن شوهرشان هرگز ازدواج نمی‌کردند؛ اما خداوند برای نخستین بار به داوود(ع) اجازه داد پس از پایان عده همسر شهید، با او ازدواج کند و این امر برای مردم، به‌ویژه طرفداران اوریا، سنگین بود (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۹۱). در ادامه، حدیثی از امام صادق(ع) خطاب به عَلْقَمَه نقل می‌شود که می‌فرمایند: رضایت مردم در اختیار کسی نیست و حتی پیامبران نیز از نسبت‌های ناروای مردم در امان نبودند؛ از جمله نسبت همت یوسف(ع) به زنا، یا گرفتار شدن ایوب(ع) به سبب گناه، یا ادعای دنبال کردن پرنده توسط داوود(ع) تا دیدن همسر اوریا و طراحی قتل شوهر او.

روایت دیگری نیز از قاسم‌بن محمد برمکی از ابوالصلت نقل می‌کند که مأمون دوباره از امام رضا(ع) ماجرای داوود(ع) و اوریا را پرسید، و امام فرمود: همسر اوریا پس از مرگ شوهرش ازدواج نکرد، و خداوند به داوود(ع) اجازه داد پس از پایان عده او با وی ازدواج کند، نه آن‌گونه که مردم به داوود(ع) نسبت داده‌اند (همان، ج ۴، ص ۶۴۹).

۳. ۲. ۴. تفسیر مجمع البیان

طبرسی در تفسیر آیه ۲۴ سوره ص، نخست به معنای «نَعَجَه» می‌پردازد: «نَعَجَه» در اصل به معنای ماده گوسفند است و عرب گاهی زنان را نیز «نَعَاج» می‌نامد (طبرسی، ج ۲۱، ص ۸۷). سپس درباره گفت‌وگوی یکی از خصمان با داوود(ع) نقل می‌کند که درخواست «أَكْفَلْنِيهَا» به معنای مطالبه‌ی بخشش و ملحق کردن آن یک «نَعَجَه» به نصیب خود است، چنان‌که ابن عباس، ابن مسعود و مجاهد گفته‌اند (همان، ص ۸۸). داوود(ع) با فرض صحت ادعای شاکی، تمایل برادر او را به ضمیمه کردن «نَعَجَه» وی ستم دانست.

در ادامه، طبرسی گزارش مشهور سجده‌ی چهل‌روزه داوود(ع) را از قول مجاهد نقل می‌کند و توضیح می‌دهد که آیه «فَعَقَرْنَا لَهُ ذَلِكَ...» بیانگر آمرزش الهی و قرب و مقام داوود(ع) نزد خداست. وی سپس دیدگاه‌های مختلف را درباره منشأ استغفار داوود ذکر می‌کند: برخی آن را صرفاً اظهار خضوع و بندگی می‌دانند - همچون تعبیر ابراهیم(ع) در آیه ۸۲ سوره شعراء - و این نظر را گروهی از امامیه و دیگرانی که پیامبران را منزّه از گناه می‌دانند پذیرفته‌اند. گروه دیگر که جواز صغیره را برای انبیا مطرح می‌کنند، استغفار را از گناه می‌دانند و در تبیین نوع آن اختلاف کرده‌اند (همان، ص ۹۰).

طبرسی سپس داستان مشهور و نادرست «اوریا» را به‌صراحت رد می‌کند و می‌نویسد: این نقل با مقام نبوت سازگار نیست؛ زیرا نسبت دادن چنین عملی به داوود(ع) به معنای سلب عدالت پیامبر است، و چگونه می‌توان پیامبری را که امین وحی و سفیر الهی است فاقد عدالت دانست؟ و آیا ممکن است پیامبری چنان باشد که شهادتش پذیرفته نشود و مردم از سخن او منزعج شوند؟ (همان، ص ۹۲).

در همین زمینه، گفتار امیرمؤمنان علی(ع) نقل می‌شود که: «اگر کسی بگوید داوود زن اوریا را به ازدواج درآورد، دو حد بر او جاری می‌کنم: یکی برای اهانت به نبوت و دیگری بر اساس حکم اسلام».

در پایان، طبرسی نظر «ابومسلم» را ذکر می‌کند که اساساً ماجرا را قضیه‌ای واقعی و معمولی میان دو مرد می‌داند و ترس داوود(ع) را ناشی از ورود ناگهانی آنان می‌شمارد، و می‌گوید نکوهش الهی مربوط به شتاب‌زدگی در قضاوت بدون شنیدن سخن طرف دوم بوده است، نه چیز دیگر (همان، ص ۹۳).

۳.۲.۵. تفسیر صافی فیض کاشانی

در این تفسیر به داستان حضرت داوود (ع) در این آیات اشاره می‌کند: «فَعَجَلَ دَاوُدَ (ع) عَلَى الْمَدْعَى عَلَيْهِ فَقَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ نَعَجْتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَلَمْ يَسْأَلِ الْمَدْعَى الْبَيِّنَةَ عَلَى ذَلِكَ وَلَمْ يَقْبَلْ عَلَى الْمَدْعَى عَلَيْهِ ...» داود (ع) بدون آن که شاکي مدرکی برای ادعای خود ارائه دهد و بدون آن که از متهم درباره گفته‌هایش سوال کند، بر او حکم سریع صادر کرد. در ادامه، روایتی از امام رضا (ع) را می‌آورد که در پاسخ به این سوال است که: ای فرزند رسول خدا، داستان او با اوریا چه بود؟ «إِنَّ الْمَرْأَةَ فِي أَيَّامِ دَاوُدَ (ع) كَانَتْ إِذَا مَاتَ بَعْلُهَا أَوْ قَتَلَ لَا تَتَزَوَّجُ بَعْدَهُ أَبَدًا فَأَوَّلُ مَنْ أَبَاحَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَتَزَوَّجَ بِامْرَأَةٍ قَتَلَ بَعْلُهَا دَاوُدَ (ع) فَتَزَوَّجَ بِامْرَأَةٍ. إِيْشَانِ فَرَمُودَنْد: «در زمان داود (ع)، هر زنی که شوهرش می‌مرد یا کشته می‌شد، دیگر ازدواج نمی‌کرد؛ این قانون مرسوم بود. خداوند نخستین کسی را که اجازه داد با زن کسی ازدواج کند که شوهرش کشته شده بود، داود (ع) بود. او با زن اوریا ازدواج کرد، پس از آن که دوران عده‌اش پایان یافت. همین موضوع بود که پیش از اوریا برای مردم مشکل ایجاد کرده بود.

از امام صادق (ع) نیز روایت شده است که فرمودند: «ما يقرب ممَّا روتهُ العامَّةُ وَكَذَّبَهُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا مَرَّ مَعَ زِيَادَاتٍ وَفِيهِ مَا فِيهِ» که چیزی را نقل می‌کند که بیشتر عامه آن را روایت کرده‌اند. امام باقر (ع) در این باره می‌فرمایند: «وَوُظِّنَ دَاوُدُ (ع) أَيَّ عِلْمٍ وَأَنْبَأَ أَيُّ تَابٍ وَذَكَرَ أَنَّ دَاوُدَ (ع) كَتَبَ إِلَى صَاحِبِهِ أَنْ لَا تَقْدَمَ أَوْرِيَا بَيْنَ يَدَيِ التَّابُوتِ وَرَدَّهُ فَقَدَّمَ أَوْرِيَا إِلَى أَهْلِهِ وَمَكَثَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ مَاتَ»». و در «ظَنَّ دَاوُدُ» آمده است که یعنی داود (ع) آگاه شد و «وَأَنْبَأَ» یعنی توبه کرد و ذکر شده که داود (ع) به همدست خود نامه نوشت که اوریا را پیش از آوردن تابوت وارد نسا و او را بازگردان. ولی اوریا را به نزد خانواده‌اش فرستاد و هشت روز در آنجا ماند و سپس مرد». امام صادق (ع) نیز در این باره فرمودند: «إِنَّ رِضَا النَّاسِ لَا يَمْلِكُ وَالسُّنَّتُھُمْ لَا تَضْبُطُ أَلَمْ يَنْسِبُوا إِلَى دَاوُدَ (ع) أَنَّهُ تَبَعَ الطَّيْرَ حَتَّى نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ أَوْرِيَا فَهَوَّاهَا وَانَّهُ قَدَّمَ زَوْجَهَا إِمَامَ التَّابُوتِ حَتَّى قَتَلَ ثُمَّ تَزَوَّجَ بِهَا». «رضایت مردم در اختیار انسان نیست و زبان‌ها را نمی‌توان کنترل کرد. مگر آن که نسبت به داود (ع) نگفتند که او دنبال پرندگان رفت تا به زن اوریا نگاه کرد و به او دل بسته شد و همسر او را پیش از تابوت آورد تا کشته شود و سپس با او ازدواج کرد». در داستان حضرت داوود (ع)، از امام رضا (ع) سوال کردند، که قصه اوریا چیست؟ ایشان فرمودند: «قطعا زنی که در زمان داوود (ع) بود که همسرش مرد یا کشته شد، ابدًا ازدواج نکرد و خداوند به داوود (ع) اجازه ازدواج با او را داد و هنگامی که همسرش مرد و عده او به پایان رسید» (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۹۷).

۳.۲.۶. تفسیر المیزان

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به معنای کلمه «نعجه» که به معنای گوسفند ماده است، اشاره می‌کند (که در فارسی آن را میش می‌نامند) و در ادامه آیه: «قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ نَعَجْتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ ... وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ» این آیه شریفه حکایت پاسخی است که داوود (ع) به مساله آن قوم داده، و بعید نیست که پاسخ او قضاوت و حکمی تقدیری بوده، چون اگر چنین نبود، جا داشت از طرف مقابل هم بخواهد تا دعوی خود را شرح دهد و بعد بین آن دو قضاوت کند و ممکن است داوود (ع) از قرائنی اطلاع داشته که صاحب نود و نه گوسفند محق است و حق دارد آن يك گوسفند را از دیگری طلب کند و لیکن از آنجا که صاحب يك گوسفند سخن خود را طوری آورد که رحمت و عطف داوود را برانگیخت، لذا به

این پاسخ مبادرت کرد که اگر این طور باشد که تو می‌گویی او به تو ستم کرده. پس لایمی که بر سر جمله "لَقَدْ ظَلَمَكَ" آمده لام قسم است، و سؤالی که در آیه آمده و فرموده: «بِسْأَلِ»؛ به طوری که متضمن معنای اضافه است، و به همین جهت با کلمه «الی» به مفعول دوم متعدی شده، پس معنا چنین می‌شود: سوگند می‌خورم که او به تو ظلم کرده که سؤال کرده اضافه کنی میش خود را بر میش‌هایش. «وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ»، این قسمت تتمه کلام داوود (ع) است که با آن، گفتار اول خود را روشن می‌کند و کلمه «خلطاء»، به معنای شریک‌ها است، که مال خود را با هم خلط می‌کنند. «وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أُنَابَ». یعنی داوود بدانست که ما او را با این واقعه بیازمودیم، چون کلمه "فتنه" به معنای امتحان است و کلمه "ظن" هم در خصوص این آیه به معنای علم است.

سرگذشت حضرت داوود (ع) در قرآن کریم در چندین جای قرآن ذکر شده است؛ جنگ ایشان در لشکر طالوت و به قتل رسیدن جالوت (بقره، ۲۵۱)، آموختن فصل الخطاب (علم داوری بین مردم) (ص، ۲۰-۲۶)، تسخیر کوه‌ها و مرغان و تسبیح با ایشان (انبیاء، ۷۹) و نرم کردن آهن (ص، ۱۹) و در این آیه، داستان صحنه‌ای که خدای تعالی برای آزمایش داوود در عالم تمثّل به وی نشان داده، تا او را به تربیت الهی تربیت کند و راه و رسم داوری عادلانه را به وی بیاموزد، تا در نتیجه هیچ وقت مرتکب جور در حکم نگشته و از راه عدل منحرف نگردد. این معنایی است که از آیات این داستان فهمیده می‌شود، و سخن حضرت داوود (ع)، به فرض که حکمی رسمی و قطعی باشد، در حقیقت حکمی است در ظرف تمثّل، هم‌چنان که اگر این صحنه را در خواب دیده بود، و در آن عالم حکمی بر خلاف کرده بود گناه شمرده نمی‌شد، و حکم در عالم تمثّل گناه و خلاف نیست، چون عالم تمثّل مانند عالم خواب عالم تکلیف نیست، و تکلیف ظرفش تنها در عالم مشهود و بیداری است، که عالم ماده است. در واقع، در عالم مشهود واقع نه کسی به داوود (ع) مراجعه کرد و نه میشی در کار بود و نه میش‌هایی. هم‌چنان که درباره خطا و عصیان حضرت آدم (ع) هم که در بهشت بوده و هنوز به زمین هبوط نکرده بود و شریعت و دینی نیامده بود؛ استغفار و توبه آن عالم هم مانند خطای در آن عالم و در خور آن است. اما زوایدی که در روایاتی که در این داستان، در درالمنثور سیوطی و نظیر آن در در تفاسیر دیگر و نیز در تورات آمده، بنابر روایاتی که از ائمه (ع) رسیده؛ این داستان نه تنها با عصمت انبیاء (ع) سازش ندارد، بلکه حتی با عدالت الهی نیز منافات دارد، چطور ممکن است انبیاء که امینان خدا بر وحی او و سفرایی هستند بین او و بندگان، متصف به صفتی باشند که اگر يك انسان معمولی متصف بدان باشد، دیگر شهادتش پذیرفته نمی‌شود و حالتی داشته باشند که به خاطر آن حالت، مردم از شنیدن سخنان ایشان و پذیرفتن آن متنفر باشند؟! (طبرسی، ج ۸، ص ۴۷۲). بنابراین ساحت مقدس حضرت داوود (ع) منزّه از نافرمانی خداست، چرا که انبیاء (ع) به عصمت خدایی معصوم از گناه و خطا هستند. چه گناه بزرگ و چه کوچک (طباطبایی، ج ۱۷، ص ۲۹۵).

۴. مقایسه نگره‌های فریقین

در بررسی نگره‌های تفسیری اهل سنت و شیعه درباره آیه ۲۴ سوره «ص» و به‌ویژه واژه «نعجه»، تفاوت‌هایی در نحوه تفسیر داستان آزمون حضرت داوود (ع) مشاهده می‌شود. در میان مفسران اهل سنت، برخی مانند مقاتل بن سلیمان و طبری روایاتی را نقل کرده‌اند که متأثر از نقل‌های اسرائیلی است و در آنها «نعجه» به‌صورت کنایه از «زن» تفسیر شده و ماجرای اوریا و همسرش مطرح گردیده است. در این روایت‌ها گفته می‌شود که داوود (ع) نود و نه همسر داشت و ماجرای

«نعجه واحد» به همسر اوریا اشاره دارد. با این حال، در میان خود مفسران اهل سنت نیز اتفاق نظر وجود ندارد؛ چنان که فخر رازی و ابن کثیر به شدت این نقل‌ها را نقد کرده و آن‌ها را برگرفته از اسرائیلیات و فاقد اعتبار دانسته‌اند. این گروه با استناد به مقام نبوت و اصل تنزیه انبیا، چنین روایت‌هایی را ناسازگار با شأن پیامبران دانسته و بر بطلان آنها تأکید کرده‌اند.

در مقابل، مفسران شیعه عموماً با رویکردی تنزیه‌ی‌تر به تفسیر این آیه پرداخته‌اند و بر اساس روایات ائمه(ع)، داستان‌های منسوب به داوود(ع) درباره همسر اوریا را مردود دانسته‌اند. در تفاسیری مانند نورالثقلین، البرهان، صافی و المیزان، با استناد به روایات امامان شیعه، این گونه نقل‌ها نوعی نسبت ناروا به مقام نبوت تلقی شده است. در این دیدگاه‌ها، ماجرای مطرح‌شده در آیه بیشتر به عنوان نوعی آزمون الهی یا تمثیل برای آموزش شیوه صحیح داوری به حضرت داوود(ع) تفسیر می‌شود و استغفار آن حضرت نیز نه به سبب ارتکاب گناه، بلکه به جهت ترک اولی یا تعجیل در قضاوت دانسته شده است.

بنابراین، هرچند در برخی منابع تفسیری اهل سنت نقل‌هایی با گرایش اسرائیلی دیده می‌شود، اما بخش قابل توجهی از مفسران آنان نیز این نقل‌ها را رد کرده‌اند. در مجموع، نقطه اشتراک بسیاری از مفسران متأخر فریقین تأکید بر تنزیه حضرت داوود(ع) از گناه و تلاش برای تفسیر آیه به گونه‌ای است که با اصل عصمت انبیا سازگار باشد، هرچند در تبیین دقیق ماهیت آزمون الهی و معنای «نعجه» تفاوت‌هایی در رویکردهای تفسیری مشاهده می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

قرآن کریم حضرت داوود(ع) را با صفاتی والا همچون شجاعت، استقامت، علم، حکمت، صبر و عدالت معرفی می‌کند؛ ویژگی‌هایی که بیانگر جایگاه رفیع او به عنوان پیامبر الهی و خلیفه خدا در میان مردم است. بر این اساس، نسبت دادن رفتارهایی همچون ارتباط با زن شوهردار یا طراحی قتل یک انسان به شخصیتی که حامل حکمت الهی و امین جان و مال مردم است، نه تنها با اصل عصمت انبیا(ع) ناسازگار می‌نماید، بلکه با عدالت الهی نیز تعارض دارد و با شأن پیامبرانی که امینان وحی الهی‌اند، سازگار نیست. بررسی تطبیقی تفاسیر شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که منشأ شکل‌گیری چنین برداشت‌هایی، تا حد زیادی به تفسیر نادرست واژه «نعجه» در آیه ۲۴ سوره ص بازمی‌گردد؛ واژه‌ای که در برخی منابع تفسیری به صورت کنایی به «زن» تفسیر شده است. این برداشت، زمینه ورود روایت‌هایی را فراهم کرده که ریشه در نقل‌های توراتی و اسرائیلیات دارد و در برخی تفاسیر بازتاب یافته است. پیامد چنین تلقی‌ای، نسبت دادن خطایی به حضرت داوود(ع) است که با مقام نبوت و اصل عصمت انبیا سازگاری ندارد. با این حال، این دیدگاه در میان مفسران عمومیت ندارد. در بررسی انجام‌شده، چنین برداشتی تنها در برخی از تفاسیر اهل سنت و در یک مورد از تفاسیر شیعه مشاهده شد. در مقابل، بسیاری از مفسران - چه در میان شیعه و چه در میان اهل سنت - این روایت‌ها را مردود دانسته و آن‌ها را برگرفته از اسرائیلیات معرفی کرده‌اند. این گروه با تأکید بر جایگاه والای پیامبران و اصل تنزیه آنان از گناه، اساس چنین داستانی را نپذیرفته و آن را ناسازگار با مبانی اعتقادی و شأن نبوت دانسته‌اند.

۶. فهرست منابع و مأخذ

- قرآن مجید

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *مالی*، مترجم: محمدباقر کمره ای، تهران، کتابچی.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقائیس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر للطباعیه و النشر و التوزیع.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر البرهان*، قم، مؤسسه البعثه، مرکز الطباعیه و النشر.
۷. تهرانی، محمد امین، قیومی، محمدباقر، (۱۳۹۸)، *بررسی صفات اخلاقی حضرت داوود (ع) در قرآن و عهدین*، شماره ۱۲.
۸. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، اسماعیلیان، قم.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالشامیه.
۱۱. زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور*، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۱۳. شبستری، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، *اعلام القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۸)، *تفسیر المیزان*، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی، (بی تا)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مرتضوی، تهران.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۳۸)، *مجمع البیان*، تهران، مکتبه العلمیه.
۱۷. طبری، محمد بن جریر بن یزید، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه.
۱۸. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۴ق)، *مجمع البَحْرَین و مَطْلَعُ النَّبَیْن*، محقق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، نشر بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر کبیر*، قم.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد آل عصفور، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، مؤسسه دارالهجره.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۷۳)، *الصافی فی تفسیر القرآن*، تهران، مکتبه الصدر.
۲۲. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. قرشی مخزومی، مجاهد بن جبر، (بی تا)، *تفسیر مجاهد*، قاهره، دارالفکر الاسلامی الحدیثه.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۱۵ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مصطفی، ابراهیم؛ نجار، محمدعلی؛ زیات، احمد حسن؛ عبدالقادر، حامد؛ (۱۴۲۹ق)، *المعجم الوسیط*، تهران، مؤسسه الصادق (ع).
۲۷. مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۸. مکارم شیرزای، ناصر و دیگران، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مهنا، عبدالله علی، (۱۴۱۳ق)، *لسان اللسان: تهذیب لسان العرب*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۰. نقی پور، ولی الله؛ حاصلی ایرانشاهی، رحیم؛ (۱۳۹۸)، *بررسی علت استغفار حضرت داوود (ع)*، پژوهش طالعات قرآن و حدیث، شماره ۲.
۳۱. هراتی، محمدجواد؛ مودب، سید رضا؛ (۱۳۹۱)، *بررسی تطبیقی روش های تفسیری فریقین در سازگاری عصمت حضرت داوود (ع) و خطای او*، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۹.

